

The Political System and the Scope of Constitutional Rights in the Mahdavi Government Based on Islamic Teachings[□]

Abbas Alam al-Hoda¹

Hojjatollah Ebrahimian²

Hossein Javan Arasteh³

1. Ph.D. candidate in Law, Islamic Azad University, Qom, Iran.

abasalamalhoda250@gmail.com

2. Associate Professor of Law, Department of Law, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Hojjat49@gmail.com

3. Professor of Law, Department of Law, Research Institute for Culture and Thought, Qom, Iran.

hoarasteh@gmail.com



Abstract

Constitutional law is a branch of public law and serves as the foundation and source for the legal structure that governs the formation and administration of the state and its people. This matter takes on particular significance within the Mahdavi government, as Islamic teachings and thinkers offer specific perspectives on the political system and the scope of constitutional rights in this government. The aim of this study is to outline the nature of the political system and define the legal framework upon which the Mahdavi government is established and under which rights are upheld. This research seeks to answer this question: Does the Mahdavi government possess a unique political system and benefit from specific constitutional rights that encompass the various domains of individual and social life? The study employs a library-based methodology, collecting data from reliable Islamic and academic sources. The content has been

* Alamalhoda, A., Ebrahimian, H., & Javan Arasteh, H. (2022). The political system and the scope of constitutional rights in the Mahdavi government based on Islamic teachings. *Journal of Fiqh and Politics*, 3(5), pp. 100-135. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71150.1057>

□ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2025/02/18 ● **Revised:** 2025/02/26 ● **Accepted:** 2025/04/26 ● **Published online:** 2025/05/08

analyzed through content analysis and meta-analysis. The findings indicate that the political system and constitutional rights within the Mahdavi government are divine and Islamic, public and comprehensive, grounded in Islamic teachings, and aligned with human nature. The right to establish a government is a divine right bestowed upon the Imam, who exercises delegated political authority from God. Based on his infallibility and divinely granted position of Imamate, he forms a government, and his officials are appointed. People participate through allegiance, approval, and oversight of the officials' performance. From both political and legal standpoints, the scope of the Mahdavi government is universal, comprehensive, and exercised with complete authority over all lands and peoples. The Imam's approach to rights incorporates both material and spiritual dimensions, encompassing all individual and social aspects to the highest degree.

۱۰۳

فقه سیاسی

نظام سیاسی و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی براساس آموزه‌های اسلامی

Keywords

Nature and structure of government, political system, Mahdavi government, scope of constitutional rights, individual and social rights.

النظام السياسي ونطاق الحقوق الأساسية في حكومة المهدي بناءً

على التعاليم الإسلامية

عباس علم الهدى^١ حجة الله إبراهيميان^٢ حسين جوان آراسته^٣

١. طالب دكتوراه في القانون، جامعة آزاد الإسلامية، قم، إيران.

abasalamalhoda250@gmail.com

٢. أستاذ مشارك في القانون، قسم القانون، جامعة آزاد الإسلامية، تهران، إيران (المؤلف المسؤل).

Hojjat49@gmail.com

٣. أستاذ في القانون، قسم القانون، معهد الثقافة والفكر الإسلامية، قم، إيران.

ho arasteh@gmail.com



المخلص

الحقوق الأساسية من الحقوق العامة، وهي أصل ومصدر الحقوق التي عليها يقوم أساس وطبيعة وطريقة تكوين و"إدارة الحكومة والشعب". وتكتسب هذه القضية أهمية خاصة في حكومة المهدي بسبب الصورة التي قدمتها التعاليم الإسلامية والمفكرون الإسلاميون عن النظام السياسي ونطاق الحقوق الأساسية في حكومة المهدي. الهدف من هذه المقالة هو توضيح طبيعة النظام السياسي والتعبير عن نطاق الحقوق الأساسية ومراعاتها، والتي على أساسها تأسست حكومة المهدي. يسعى هذا البحث إلى الإجابة على السؤال هل تمتلك حكومة المهدي نظاما سياسيا محددًا من جهة وتتمتع بحقوق أساسية خاصة من جهة أخرى يمكن أن تشمل مجالات وجوانب الحياة الفردية والاجتماعية؟

* إقتباس من هذا المقال : علم الهدى، عباس؛ إبراهيميان، حجت الله؛ جوان آراسته، حسين. (١٤٠١) النظام السياسي ونطاق الحقوق الأساسية في حكومة المهدي بناءً على التعاليم الإسلامية. *الفكر والسياسة*، العدد ٣ (٥)، صص ١٠٠-١٣٥.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71150.1057>

□ نوع المقالة: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب إعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٢/١٨ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/٢٦ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٤/٢٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٠٨

وقد اعتمدنا في إجراء الدراسة على المنهج المكتبي، وتم جمع البيانات بالرجوع إلى الوثائق والأدلة العلمية والإسلامية المعتمدة، وتم التوصل إلى النتائج التالية من خلال تحليل المحتوى والتحليل التلوي.

تُظهر نتائج الدراسة أن طبيعة النظام السياسي والحقوق الأساسية في حكومة المهدي هي إسلامية إلهية، عامة، شاملة، مبنية على التعاليم الإسلامية المتوافقة مع الفطرة البشرية وحق تشكيل الحكومة حق إلهي لذلك الإمام عليه السلام، وله ولاية سياسية منحها الله، ويُشكلها من خلال عصمته ومنصب الإمامة الممنوح له. ووكلاء الحكومة يعينهم الإمام أيضاً. ويلعب الناس دوراً في أداء الوكلاء من خلال البيعة والموافقة والمراقبة.

إن نطاق حكومة المهدي، سياسياً وقانونياً، شامل وعالمي، ويجمع بين السيطرة والسلطة التامة على جميع الأراضي والشعوب. منهج الإمام في الحقوق مادي وروحي، ويشمل جميع الأبعاد الفردية والاجتماعية إلى أقصى حد.

الكلمات الرئيسية

طبيعة وهيكّل الحكومة، النظام السياسي، حكومة المهدي، نطاق الحقوق الأساسية، الحقوق الفردية والاجتماعية.

نظام سیاسی و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی

بر اساس آموزه‌های اسلامی □

عباس علم الهدی^۱ حجت الله ابراهیمیان^۲ حسین جوان آراسته^۳

۱. دانشجوی دکترای دانشکده تمدن و مطالعات جهان، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

abasalamalhoda250@gmail.com

۲. دانشیار، دپارتمان حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Hojjat 49@gmail.com

۳. استاد حقوق، گروه حقوق، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

ho arasteh@gmail.com

چکیده

حقوق اساسی در زمره حقوق عمومی و منشأ و خاستگاه حقوقی است که بنیان، ماهیت، نحوه تشکیل و «اداره حکومت و مردم» بر پایه آن استوار است. این موضوع در حکومت مهدوی دارای اهمیت ویژه است از آن جهت که آموزه‌های اسلامی و اندیشمندان اسلامی چه تصویری از نظام سیاسی و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی ارائه کرده‌اند. هدف از این نوشتار ترسیم ماهیت نظام سیاسی و بیان گستره حقوقی است که براساس آن حکومت مهدوی مستقر و حقوق رعایت می‌شود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا حکومت مهدوی دارای نظام خاص سیاسی از یک سو و بهره‌مند از حقوق اساسی ویژه‌ای است که بتواند ساحت‌ها و شئون زندگی فردی و اجتماعی را در بر گیرد.

* **استناد به این مقاله:** علم الهدی، عباس؛ ابراهیمیان، حجت‌الله؛ جوان آراسته، حسین. (۱۴۰۱). نظام سیاسی و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی براساس آموزه‌های اسلامی. فقه و سیاست، سوم (۵)، صص ۱۰۰-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71150.1057>

□ **نوع مقاله:** پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) ©

نویسندگان

□ **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ • **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۳/۱۲/۰۸ • **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۲/۰۶ • **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

روش کتابخانه‌ای برای انجام مطالعه در نظر گرفته شده و با مراجعه به اسناد و مدارک معتبر علمی و اسلامی، گردآوری و به روش تحلیل محتوا و فراتحلیل بررسی و نتایج زیر بدست آمده است.

نتایج نشان می‌دهد، ماهیت نظام سیاسی و حقوق اساسی در حکومت مهدوی؛ الهی و اسلامی، عمومی، جامع و براساس آموزه‌های اسلامی بوده و با فطرت انسان سازگار است. حق بر تشکیل حکومت، حقی الهی برای آن حضرت ﷺ بوده و دارای ولایت سیاسی اعتباری اعطایی از جانب خداوند است و به واسطه عصمت و مقام اعطایی امامت، حکومت تشکیل می‌دهد و کارگزاران ایشان نیز انتصابی است. مردم از طریق بیعت، رضایت و نظارت بر عملکرد کارگزاران ایفای نقش می‌کنند.

از نظر سیاسی و حقوقی، قلمرو حکومت مهدوی؛ فراگیر، عام و توأم با تسلط و اقتدار کامل بر تمامی سرزمین‌ها و جمعیت می‌باشد. رویکرد آن حضرت به حقوق، مادی و معنویت‌گرایانه بوده و تمامی ابعاد فردی و اجتماعی را تا حد اعلی شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها

ماهیت و ساختار حکومت، نظام سیاسی، حکومت مهدوی، گستره حقوق اساسی، حقوق فردی و اجتماعی.

مقدمه

درباره منشأ و خاستگاه حق به طور کلی و به طور ویژه حقوق اساسی که خود بنیانی برای سایر حقوق نیز است، سه نظریه اصلی وجود دارد: الف. حقوق طبیعی؛ طبیعت و مقتضای طبیعت و ماهیت یک موجود (انسان) برخورداری از یک سلسله حقوقی است که دوام و بقای آن طبیعت به آنها بستگی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۸۳)؛ مانند حق حیات، حق مسکن، حق رفاه و تأمین اجتماعی؛ ب. نظریه پوزیتیویسم (اثبات گرایی)؛ حقوقی درباره منشأ حقوق که منشأ حقوق را «توافق جمعی» می‌دانند؛ یعنی مردم یک جامعه خودشان آن را بپذیرند؛ مانند پذیرش جامعه اینکه پدر بر فرزند حقوقی دارد؛ بنابراین توافق اجتماعی منشأ ثبوت حق می‌شود. در نتیجه نظام‌های حقوقی دگرگون می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۸۵)؛ ج. نظریه حقوقی اسلام که منشأ حقوق را خداوند و آنچه در کتاب و سنت مقرر شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، صص ۴۷-۵۳). حقوق اساسی مرتبط با اشخاص و یا جامعه (حکومت) قابل ارزیابی هستند.

حقوق اساسی، آنچنان که از نامشان پیدا است، اساس و بن‌مایه یک حکومت را از جهت ماهیت ساختار و نظام سیاسی، تنظیم کننده روابط بین دولت و مردم و اساسی ترین حقوق بشر و شهروند را در ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل شده و حتی مقررات حفظ محیط زیست و جانداران را تبیین می‌کنند. حقوق اساسی را در قوانین اساسی کشورها و یا عرف و اعتقادات حاکم بر کشورها می‌توان جستجو کرد.

در این پژوهش، فرض بر این است که منشأ حقوق اساسی در حکومت مهدوی و قانون گذاری کتاب و سنت است؛ بنابراین ممکن است بتوان ادعا کرد قانون اساسی حکومت مهدوی، «قرآن و سیره» است؛ با این رویکرد، گستره حقوق اساسی حکومت مهدوی نیز براساس قرآن و سیره اهل بیت (علیهم السلام) و توصیفی که از حکومت موعود جهانی آمده است، قابل ارزیابی است.

اساس و گستره حقوق اساسی تابعی از رویکرد به جهان هستی؛ الهی، توحیدی و معنویت گرایانه (مکتب اسلام) یا غیرالهی، مادی گرا و انسان‌محوری (مکاتب الحادی:

لیبرالیسم و مارکسیسم) است. یا اینکه اصالت با، فرد (هابز، ۱۵۸۸-۱۶۷۹م) یا جامعه‌محوری (هگل، ۱۷۷۰-۱۸۳۱م) و یا هر دو (شهید مطهری، ۱۲۹۸-۱۳۵۸) است. از جهت نظری، حقوق اساسی حاکم بر دولت به معنای عام آن بوده و وظیفه مشروعیت‌بخشی به حکومت، شکل‌دهی به دولت، ابزاری برای حمایت از شهروندان، تنظیم‌کننده روابط بین حکومت و مردم و به‌طور کلی نظام‌ساز، جامعه‌ساز و تمدن‌سازی را بر عهده دارند.

درباره عناصر سازنده از یک سو و کارویژه حقوق اساسی از دیگر سو، می‌توان گفت؛ حقوق اساسی تعیین‌کننده:

الف. ماهیت حکومت و دولت (فلسفه وجودی و جهان‌بینی تشکیل، تأسیس و استمرار آن)؛

ب. ساختار و نظام (رژیم) سیاسی (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳، ص ۷۹)؛

ج. قلمرو حکومت و حاکمیت (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳، ص ۷۹)؛

د. حقوق متقابل مردم و حکومت (ویژه، ۱۳۹۷، ص ۸)؛

ه. حقوق محیط زیست و جانداران (اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی ۱۹۷۲م)؛ می‌باشند.

درباره دولت و حکومت باید گفت توصیف و تحلیل مفاهیمی همچون قانون، حقوق و تعهدات، متضمن فرض وجود دولت است (بشیریه، ۱۳۹۵، صص ۱۷-۱۸) و حتی مسائلی نظیر عدالت، آزادی، به‌ناچار به دولت و حکومت مربوط است و هر آنچه تحت عنوان حقوق شکل گرفته، همه در بستر یک نظام سیاسی با عنوان دولت-کشور تأسیس و رشد یافته است. حکومت یکی از غریزی‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی و انسانی است که از دیرباز انسان‌ها، احساس کردند که به چیزی به نام حکومت احتیاج دارند (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۱۴۲).

براساس پیش‌فرض و مبانی مذکور، این نوشتار درصدد است با تحلیل آموزه‌های اسلامی، توصیفی از نظام سیاسی و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی ارائه کند.

۱. ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۱-۱. مفاهیم

حقوق؛ مفرد آن حق و در لغت به معنای راستی، صدق، درست، راست، عدل و انصاف است (لغت‌نامه دهخدا، واژه حق) و در اصطلاح سیاسی، حقوق به معنای ایجاد نظم اجتماعی براساس یک ایده سیاسی (یا مذهبی)، مانند: دموکراسی و آزادی‌گرایی (لیبرال دموکراسی) است که سازمان اجتماعی نیز بر همان اساس شکل می‌گیرد (کلسن، ۱۳۹۵، ص ۱۴) و همچنین است؛ مارکسیسم و یا در مکاتب الهی، نظریه ولایت فقیه و یا مکتب مهدویت و در اصطلاح حقوقی، مجموعه قواعدی که توسط دولت‌ها به وسیله مرجع ذی صلاح وضع و اجرای آن تضمین می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، واژه حق).

تعریف‌های دیگری نیز از این مفهوم شده است که برخی آن را مجموعه قواعد اجتماعی می‌دانند (خیراندیش، ۱۳۹۶، ص ۱۰) یا ابزار اجتماعی برای جلوگیری از تضاد منافع (رضایی، ۱۳۹۹، ص ۲۰) و برخی دیگر آن را نظام (سیستم) دانسته‌اند که وظیفه ساماندهی روابط انسان‌ها را برعهده دارد (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

در مجموع، در ادبیات حقوقی، «حقوق» بر مجموعه قواعد و هنجارهای الزام‌آوری اطلاق می‌شود که توسط نهادهای قانون‌گذاری یک جامعه سیاسی وضع شده و به‌عنوان چارچوبی برای تنظیم روابط بین افراد، گروه‌ها و دولت عمل می‌کند که در دو سطح حقوقی ذاتی (حقوق طبیعی و الهی مبتنی بر کرامت انسانی) و حقوق موضوعه (مبتنی بر قوانین مصوب مراجع قانونی)، قابل بررسی است.

حقوق اساسی: در اصطلاح به معنای مجموعه قوانین و مقرراتی است که در یک جامعه سیاسی، آزادی را تضمین و قدرت را تنظیم می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۴۶). با همین مضامین، باندکی تغییر، برخی حقوق اساسی را شاخه‌ای از حقوق عمومی دانسته‌اند که به بررسی اصول و قواعد حاکم بر ساختار حکومت، رابطه نهادهای سیاسی با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های شهروندان در برابر دولت می‌پردازند (خیراندیش، ۱۴۰۰، ص ۲۵)، و عده‌ای دیگر آن را علم مطالعه قواعد بنیادین حاکم بر سازماندهی قدرت سیاسی، توزیع

اختیارات حکومتی و تضمین حقوق اساسی شهروندان در چارچوب قانون اساسی می‌دانند (الهام، ۱۳۹۸، ص ۱۷) و همچنین برخی حقوق اساسی را مجموعه قواعدی دانسته‌اند که ساختار حکومت، روابط قوای سه‌گانه، اصول حاکم بر تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و حقوق ملت در برابر حاکمیت را تنظیم می‌کند (رضایی، ۱۳۹۹، ص ۲۰). با ملاحظه تعاریف ذکر شده، حقوق اساسی بر دولت حاکمیت دارد و در چارچوب آن، ماهیت و نظام سیاسی، نوع تشکیلات، حکومت و قوای حاکمه، رابطه متقابل حکومت و مردم و سایر امور مهم سیاسی و حقوقی (فردی و اجتماعی) تنظیم می‌شود.

نظام سیاسی: درباره نظام سیاسی، تعاریف متعددی با مشابهت‌ها و اختلاف‌اندکی وجود دارد؛ از جمله مجموعه‌ای از افراد (رهبران و حاکمان)، نهادها و گروه‌ها (با کارویژه‌های خاص) که قوانین فائقه در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری (دولت و حکومت به معنای عام) که در اختیار دارند، اجرا می‌کنند (فیرحی، ۱۳۸۶، صص ۷-۱۲). پژوهشگری دیگر، نظام سیاسی را مجموعه نهادها، قواعد، ارزش‌ها و فرایندهایی از توزیع قدرت، تنظیم روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های جمعی در یک جامعه را سامان می‌دهد. این نظام، مشروعیت حکومت و شیوه‌های مشارکت شهروندان در امور عمومی را تعیین می‌کند (بشیریه، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲).

دکتر محمدرضا دهشیری، از دیگر نویسندگانی است که در کتاب تحولات نظام‌های سیاسی در جهان معاصر، در تعریف نظام سیاسی می‌گوید: «چارچوبی است که در آن قدرت سیاسی اعمال می‌شود، منابع توزیع می‌شود و رابطه بین حاکمان و شهروندان از طریق مکانیسم‌های قانونی و فرهنگی، تنظیم می‌شود» (دهشیری، ۱۴۰۱، ص ۲۸). تعریف برگزیده از میان تعاریف ارائه شده، به دلیل جامعیت، تطابق با رویکرد علمی، و قابلیت انطباق با نظام‌های مختلف و کاربرد بیشتر آن، تعریف دکتر حسین بشیریه از کتاب مبانی علم سیاست است.

ساختار سیاسی: مجموعه نهادها و مراکزی که قدرت سیاسی را در دست دارند و یک کلیت (هویت بخشی) واحد را به وجود می‌آورند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷، صص ۱۶۵-۱۶۹).

حکومت مهدوی: اندیشمندان اسلامی تعاریف متعدد و تاحدودی در راستای هم

از «حکومت مهدوی» داشته‌اند از جمله: «حکومت مهدوی، تجلی کامل حاکمیت الهی بر زمین است که با ظهور امام زمان علیه السلام، عدالت جهانی تحقق می‌یابد، توحید ناب حاکم می‌شود و تمامی نظام‌های ظلم و شرک برچیده می‌شود. این حکومت پایان تاریخ بشر در مسیر تکامل معنوی و اجتماعی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۵). «حکومت مهدوی، نظامی مبتنی بر قوانین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است که در آن امام معصوم، رهبری جامعه را به دست می‌گیرد و با اجرای عدالت فراگیر، فقر و تبعیض را ریشه کن می‌کند. این حکومت جهانی و فراقومیتی است» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰، ص ۱۸۷). «حکومت مهدوی، مرحله نهایی حکومت دینی است که در آن، امام معصوم با اتکا به معشیت الهی و حمایت مردمی، تمامی موانع تحقق عدالت را از بین می‌برد و جامعه را در مسیر قرب به خداوند قرار می‌دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۶۳).

با ملاحظه تعاریف فوق و همچنین سایر تعاریف، تعریف زیر، مورد توجه نگارنده است: «حکومت مهدوی، نظامی الهی- انسانی و مبتنی بر تعالیم اسلامی است که با ظهور امام دوازدهم شیعیان، توسط شخصیتی معصوم با نام حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان آخرین ذخیره الهی، محقق می‌شود؛ بهترین ویژگی‌های این حکومت، مبنای الهی و توحیدی، عدالت جهانی، رهبری معصوم، وحدت سرزمین، وحدت امت، وحدت قانون اسلامی، تعالی معنوی و حاکمیت عقلانیت است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

مهدویت‌نگاری و پژوهش درباره موضوعات مختلفی همچون ویژگی‌های شخصی امام عصر علیه السلام، طول عمر، تشکیل حکومت آخرالزمانی، با شاخص‌هایی نظیر برقراری عدالت، رفاه، امنیت در حکومت آن حضرت، و سایر حقوقی که در حکومت مهدوی رعایت خواهد شد، بسیار متنوع و می‌توان درباره این موضوع ادعا کرد، از پرنگارش‌ترین موضوعات اسلامی است که آثار فراوانی در قالب کتاب و مقاله از قرون اولیه تاریخ اسلام تاکنون که توسط دانشمندان شیعه و اهل تسنن نگارش شده، یافت می‌شود؛ از سنن ابن ماجه (متوفای ۲۷۳ق) جلد ۲، باب «خروج المهدی علیه السلام» گرفته تا

قرون میانه با نگارش اثری گران بها توسط حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف بن گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ق)، از علمای اهل سنت با عنوان «البیان فی اخبار صاحب الزمان» (که با عنوان خورشید پنهان نیز ترجمه و چاپ شده است)، دارای ۲۵ باب درباره غیبت، ظهور، بشارت و ...؛ امام مهدی علیه السلام است و بعد از آن می توان به مهمترین آنها، کتاب گرانسنگ بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ق) اشاره کرد که در چاپ جدید، جلد های ۵۱، ۵۲ و ۵۳ آن روایات متعددی در تمامی احوالات، ظهور، قیام، تشکیل حکومت، رجعت و ... آمده است؛ همچنین آثار مهم دیگری که در قرن های بعدی تاکنون، به فراوانی در دسترس است.

با وجود تنوع آثار و موضوعات؛ اما بررسی آنها نشان می دهد آثاری قابل توجه که با موضوع «گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی» مرتبط باشد کمتر دست یافتیم؛ اما برخی آثار متأخر که با رویکرد تطبیقی به موضوعات حقوق اساسی، حکومت و دولت، حقوق بشر و شهروندی و حقوق محیط زیست پرداخته اند، حاوی مباحثی است که تاحدودی با موضوع این مقاله مرتبط است.

از آثار ارزنده ای که به طور اجمال و کلی به خصائص و گستره حکومت مهدوی از جهت احقاق حقوق بشریت و مبارزه با ظلم پرداخته، کتاب شریف انقلاب مهدی و پندارها، اثر شهید محمدباقر صدر، ترجمه سیداحمد علم الهدی است که در سال ۱۳۸۵، منتشر شده است.

روح الله امیری، در مقاله ای با عنوان «حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از منظر حقوق اساسی» که در مجله پژوهش های مهدوی در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است، تاحدودی به گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی اشاره کرده است.

«گفتمان جهانی مهدویت و آینده بشر»، تألیف قنبرعلی صمدی که در قم توسط انتشارات کتاب جمکران در سال ۱۳۹۵ منتشر شده، از جمله آثار دیگری است که می توان بخشی از حقوق اساسی در حکومت مهدوی را به اجمال در آن یافت.

در اثر ارزشمند نجم الدین طبسی (۱۴۲۸ ق) با عنوان معجم الاحادیث امام المهدی علیه السلام، جلد ۵، که توسط انتشارات نشر معارف اسلامی در قم چاپ شده روایات

نابی را می‌توان در باب حقوق متنوعی که در حکومت مهدوی محترم شمرده می‌شود (اعم از حقوق انسان، حیوانات و جانداران) ملاحظه کرد.

مقاله‌ای با عنوان «عدالت مهدوی استمرار عدالت نبوی و علوی» اثر سیدمسعود پورسیدآقای (۱۳۸۴) از آثار فاخر دیگری است که درباره حکومت مهدوی نگارش یافته است و بخشی از حقوق اساسی از منظر عدالت را شامل می‌شود.

مقاله «درآمدی بر اجرای عدالت در حکومت مهدوی» تألیف علی اصغر الهی‌نیا (۱۳۸۶)، نیز از جمله آثاری است که اجرای عدالت را از حقوق اساسی در حکومت مهدوی تلقی می‌کند.

و مقاله ارزشمند «حکومت علوی، الگوی حکومت مهدوی»، اثر حیدرعلی میمنه جهرمی (۱۳۷۸) که در مجله انتظار موعود منتشر شده، از جمله آثاری است که به بُعدی از ابعاد حقوق اساسی از جمله اجرای عدالت، رفاه و امنیت و نظایر آن اشاره دارد.

از مجموعه آثار منتشر شده که به برخی اشاره شد، گرچه درباره موضوع مهدویت و حکومت و یا حقوق مردم در حکومت مهدوی اشاره دارند؛ اما بررسی‌های نگارنده این مقاله، نشان می‌دهد که به جز در برخی عناصر، تقریباً با پژوهش خاص و متناسب با موضوع مورد بحث، مواجه نشود. همین برداشت، موجب گردید تا مقاله حاضر منبعث از رساله دکتری نگارنده (در رشته حقوق عمومی) با عنوان، بنیادها و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی است، تنظیم و ارائه شود.

۲. نظام سیاسی و گستره حقوق اساسی در حکومت مهدوی ﷺ

بررسی و تحلیل آموزه‌های اسلامی، نشان می‌دهد نظام سیاسی در حکومت مهدوی دارای ماهیتی الهی-اسلامی، ساختار سلسله مراتبی که در رأس آن نهاد امامت و امام معصوم به عنوان «ولی» قرار داشته و تاحدودی نظام تفکیک قوا نیز حاکم است. عناصر سازنده حقوق اساسی در حکومت مهدوی در دو عرصه اصلی: الف. حقوق دولت (با ملاحظه دو عنصر: ماهیت و نظام سیاسی) که در چارچوب آن دولت/ حکومت مهدوی

تأسیس و مستقر می‌شود و از آن به «حق تأسیس و حکمرانی بر مردم» یاد می‌شود؛ ب. حقوق ملت در ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که از آن به «حقوق متقابل مردم بر حکومت و تکالیف دولت در پاسداشت، نهاده‌سازی و توسعه آنها به‌عنوان حقوقی بشری و شهروندی»، مورد توجه است.

مبحث اول: ماهیت حکومت و دولت مهدوی

براساس نظریه حقوق سیاسی، منشأ و سازمان‌دهنده نظم اجتماعی، رویکردی است که پایه تأسیس حقوق می‌شود، حال این منشأ می‌تواند تعالیم آسمانی برگرفته از ادیان و یا نظریات فلسفی، سیاسی و اخلاقی اندیشمندان و یا عرف عمومی یک جامعه باشد (کلیسن، ۱۳۹۵، ص ۲۲۱). بدیهی است قوانین ادیان و مکتب‌ها، هنگامی در جامعه اجرایی می‌شود که حکومتی از آن پشتیبانی کند. اسلام نیز که برترین آیین آسمانی است، در پی تشکیل حکومت اسلامی است و ایجاد و حفظ حکومت را از بزرگ‌ترین فرائض برای جامعه عمل پوشیدن به دستورات اسلامی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی بشریت می‌داند (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۱۴۲). براساس آموزه‌های اسلامی، حکومت جهانی مهدوی، از وعده‌های این آیین آسمانی است.

از آموزه‌های اسلامی، چنین دریافت می‌شود که ماهیت حکومت مهدوی، اسلامی و بر پایه تعالیم قرآن و سیره است. در عین حال چند ویژگی بارز نیز قابل بیان است:

۱. **نوسازی ماهوی حکومت:** از ویژگی‌های حکومت واحد جهانی است که بر مبنای تحولات تازه و پاسخ‌گویی به امور جدید با اتکا به ماهیت اسلام و احیای اسلام ناب، نوسازی دینی در جهان اتفاق خواهد افتاد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حضرت قائم علیه السلام با امری جدید، کتابی نوین و قضاوتی تازه که بر عرب شدید است، حکومت جهانی بر پا خواهد کرد» (نعمانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲). و «... احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلائق بوده باطل شده و با عدالت در میان خلائق رفتار می‌گردد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۸۱).

۲. **جامعیت حکومت:** ماهیت حکومت مهدوی، همه شئون زندگی انسان را پوشش

می‌دهد: الف. رابطه انسان با خداوند: «نماز بپا دارید» (بقره، ۴۳)؛ ب. رابطه انسان با خودش: «ای اهل ایمان شما (ایمان) خود را محکم نگه دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید، زیانی از آنها به شما نمی‌رسد» (مائده، ۱۰۵)؛ ج. رابطه متقابل انسان‌ها با یکدیگر: «و به درستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند» (عصر، ۳)؛ و د. رابطه انسان با محیط زیست: «و هم از میوه‌های درخت خرما و انگور که از آن نوشیدنی‌های شیرین و رزق حلال نیکو به دست آرید که در این کار نیز آیتی (از قدرت حق) برای خردمندان پدیدار است» (نحل، ۶۷) (اسکندری، ۱۴۰۱، صص ۴۵-۴۸). و ه. روشنگر هر چیز برای مسلمانان: «و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم» (نحل، ۸۹) (اسکندری، ۱۴۰۱، ص ۵۰).

۳. جهانی بودن: این خصلت، فقط مربوط به حکومت مهدوی است و از دایره قدرت انسان‌ها و حکومت‌های بشری خارج است. به اعتقاد شیعه، تأسیس حکومت جهانی از اعجازهای بزرگ خداوند است که توسط امام مهدی (عج)، انجام و سازماندهی می‌شود. امام باقر (ع) در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» تا آن (دین اسلام) را بر همه ادیان تسلط و رهبری دهد» (توبه، ۳۳)، می‌فرماید: «منظور، هنگام قیام (حضرت) مهدی (عج) است که اسلام را بر تمامی ادیان حاکم می‌گرداند» (بحرانی، ۱۳۸۳). لازمه این امر، فتح جهان از شرق و غرب تا جنوب و قبله عالم است؛ در روایات به شهر مکه نقطه آغاز قیام، سپس برگزیدن عراق و کوفه به عنوان مرکزیت سیاسی نظامی حکومت و پس از آن، حرکت به سوی شام و فتح بیت المقدس، تصریح شده است (طبری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۵۲). امام باقر (ع) گستره فرمانروایی آن حضرت را شرق و غرب عالم بیان می‌فرماید (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳۱).

۴. الهی، عادلانه و کامل بودن حکومت: براساس آموزه‌های اسلامی، حکومت مهدوی، محقق‌کننده آرمان‌های مقدس انبیای الهی در سراسر گیتی خواهد بود؛ صالحان، حاکم و وارث همه نعمت‌های نهان و آشکار الهی خواهند شد. از بارزترین ویژگی ماهوی حکومت مهدوی الهی، عادلانه بودن و مبارزه با ظلم، جور، ستم و کفر

است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (بقره، ۲۵۹) می‌فرماید: منظور از حیات زمین بعد از مرگ آن؛ حیات زمین با قیام حضرت مهدی علیه السلام به عدالت بعد از مرگ آن به واسطه ظلم و جور است (قرائتی، ۱۳۷۴).

همچنین درباره کامل بودن حکومت نسبت به سایر حکومت‌های الهی و تجربه شدن نزد بشریت، امام باقر علیه السلام فرمود: «دَوَّلُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلِكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ دولت ما آخرین دولت‌هاست و اهل بیتی باقی نمی‌ماند که برای آن‌ها دولتی مقدر شده باشد؛ مگر این که پیش از ما سلطنت کنند تا وقتی که سیرت ما را دیدند، نگویند: اگر ما هم صاحب ملک بودیم، این گونه رفتار می‌کردیم و این است گفته خدا که فرمود: «عاقبت برای پرهیزگاران است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۳۲).

۵. **اقتدا به سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در پایه ریزی حکومت:** سیره حضرت مهدی علیه السلام همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و برنامه دولتش، تجدید عظمت قرآن و احیای تعالیم عالی اسلام است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... سپس مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری از دشمنان دعوت می‌کند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۴۲). و فرمود: «به روش پیامبر عمل می‌کند تا آنکه اسلام را آشکار می‌سازد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۸۱).

۶. **فطری بودن:** براساس آموزه‌های اسلامی حکومت مهدوی، به فطرت و نیازهای ذاتی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی توجه دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ پس (ای پیامبر)، روی خود را به سوی آیین پاک (اسلام) کن که هماهنگ با فطرتی است که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده» (روم، ۳۰). آیه ۳۱ سوره حج و آیه ۲۵ سوره لقمان به همین مضمون است. امام باقر علیه السلام آیه ۳۰ سوره روم را مربوط به ولایت می‌داند (نوری، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۰۶) و در تفسیر این آیه می‌فرماید: «اگر دین بر فطرت انسان‌ها نبود، (مردم) نمی‌دانستند پروردگارشان کیست و چه کسی روزی رسان آن‌ها است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷۸)؛ بنابراین از آنجا که دین اسلام، دین فطرت و امام عصر علیه السلام، احیاگر دین واقعی است، توجه به فطرت انسان‌ها و نیازهای

مادی و معنوی او در ابعاد مختلف، عنصری از عناصر ماهیت‌ساز حکومت مهدوی و حقوق اساسی آن خواهد بود.

مبحث دوم: نظام سیاسی (ساختار نهادها، کارگزاران و گروه‌ها)

دومین عنصر سازنده حقوق اساسی در حکومت مهدوی که حق بر تشکیل حکومت و استقرار نظام سیاسی را به رسمیت می‌شناسد و در چارچوب آن ساختار نهادها و مراکز، افراد (زمامداران و حاکمان) و سایر گروه‌ها با کارویژه‌های خاص (مانند نظارت بر رفتار کارگزاران و زمامداران) ایجاد شده و در مجموع در ذیل قوانین فائده‌ای که در حکومت مهدوی براساس کتاب و سنت وضع می‌شود و با پشتوانه قدرت امامت و ولایت مهدوی، به اجرا می‌گذارد؛ عنصر «نظام سیاسی» است که منبعث از کتاب و سیره (بوژه سیره سیاسی و حکومت‌داری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام همچنین تجارب بشری (که به تأیید و امضای آن حضرت برسد کما اینکه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین بوده است)؛ مانند: برخی از قوانین داد و ستد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۲۶) و یا حسب اقتضاء و نیاز تأسیس نماید؛ قدرت را به نحو شایسته تقسیم و توزیع نموده و کارگزارانی لایق منصوب و حکومت الهی خویش را مستقر خواهد کرد.

براساس آموزه‌های اسلامی، منشأ قدرت در حکومت مهدوی، از جهت ماهوی، الهی و از نظر شکلی، بر محور امام معصوم مهدی موعود علیه السلام، حکومت تشکیل و مستقر می‌شود و بنا بر آنچه که اسلام، درباره ولایت گفته است؛ بعد از ولایت حقیقی و ذاتی که مختص خداوند متعال است: «إِنَّ الْحَكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ حکم (و تدابیر امور انسان) از آن خداوند است» (انعام، ۵۷)، ولایت امام مهدی علیه السلام از نوع ولایت اعتباری اعطایی و سیاسی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر امامان معصوم علیهم السلام می‌باشد: «اطيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ خداوند را اطاعت کنید و رسول خدا و صاحبان امر خود را اطاعت کنید» (انسان، ۵۹).

با این رویکرد شکل و ساختار حکومت حضرت مهدی علیه السلام چنین خواهد بود:

الف. در رأس حکومت، نهاد امامت و ولایت: امام مهدی علیه السلام فرمانروایی معصوم

و مقتدر و ولی خدا است که تمامی امور را بدون خطا و اشتباه تمشیت می‌کند و براساس روایت امام صادق (ع): «مرکز حکومت امام مهدی (ع) در کوفه و مرکز قضاوت و دادرسی آن (حضرت) مسجد کوفه است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۳، ص ۱۱). این شکل از حکومت در روایاتی از پیامبر (ص)، امام علی، امام باقر و امام صادق (ع) نیز برداشت می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱).

ب. قوه اجراییه و کارگزاران: امام علی (ع) درباره ویژگی بارز حکومت مهدوی می‌فرماید: «آگاه باشید، فردایی که از آن هیچ شناختی ندارید، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین میوه‌های دل خود را برای وی بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸). «از نشانه‌های امام مهدی (ع) این است که نسبت به کارگزاران، سخت‌گیر، نسبت به مال، بخشنده و نسبت به مساکین و فقرا، دل‌رحم است» (مقدسی شافعی، بی‌تا، فصل ۳، باب ۹)؛ بنابراین، یکی از رموز موفقیت امام زمان (ع)، در حکومت بر جهان، وجود کارگزاران شایسته و وفاداری است که گوش به فرمان و یاری‌گر امام‌شان خواهند بود.

حکومت امام مهدی (ع) امری مشروع و از جانب خداوند است، نه براساس دموکراسی‌های رایج بشری که مشروعیت حکومت از مردم در قالب انتخابات اخذ می‌شود. همراهی مردم نشانه بیعت و رضایت آن‌ها است. سیره امام علی (ع) در برابر معاویه (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۷) و امام حسن (ع) در برابر معاویه (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۴، ص ۱۰۴)، نشانه این است که هرگز امامان معصوم (ع) به مشروعیت مردمی قائل نبوده و پذیرش مردم فقط نوعی مقبولیت و وسیله‌ای برای استقرار حکومت و حاکمیت اسلامی خواهد بود. کارگزاران آن حضرت نیز انتصابی هستند.

مبنای عمل قوه مجریه، برقراری عدالت، تأمین رفاه فردی و اجتماعی بر مبنای شریعت آسمانی (قرآن) و سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است، دقیقاً نقطه مقابل حکومت‌های بشری مبتنی بر سکولاریزم و لیبرالیسم غربی است که قایل به اصالت

انسان، فردگرا و آزادی‌های بی‌قیدوبند بدون توجه به آموزه‌های الهی می‌باشند. براساس فرمایش امام علی علیه السلام: «... او (امام مهدی علیه السلام) روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن روز متروک مانده، زنده می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸).

کارگزاران حکومت مهدوی از بهترین بندگان خدا و توحیدمحور می‌باشند (یزدی حائری، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۰۰) و مصداق واقعی «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰)، هستند و آن‌ها صالحان و وارثان زمین خواهند بود (انبیاء، ۱۰۵). می‌توان ویژگی‌های کارگزاران و قوای اجرایی حکومت مهدوی را چنین بیان کرد: ایمان به خدا و توحید (انبیاء، ۱۰۵)، تقوای درونی در میدان کار و عمل (نور، ۵۵)، برپا کننده نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر (حج، ۴۱)، جهادگر (مائده، ۵۴)، عزت‌مدار و با محبت و مهربان (فتح، ۲۹)، شجاع، صبور، شکیبا و شهادت‌طلب (مجلسی، ج ۵۲، صص ۳۰۸ و ۳۱۰)، گمنام و ناشناخته در بین زمینیان و شناخته‌شده در آسمان‌ها (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۷)، دارای علم و آگاهی در اداره امور و مدیریت (نعمانی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۹)، دارای قدرت و توانمندی بالا (بقره، ۲۴۷)، وفادار و متعهد (حدیث قدسی)، ولایت‌مدار (مائده، ۵۵؛ نعمانی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۶)، دارای بصیرت و آگاهی در شناخت حق و باطل (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۲۲۹)، عدالت‌محور و برپاکننده عدالت اجتماعی و گسترش آن (آل عمران، ۱۸؛ کلینی، ۳۲۹، ج ۷، ص ۱۷۴)، و دارای اتحاد و همدلی (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۵۵۴؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۷۲).

ج. قوه قانون‌گذاری و قانون‌گذاران: در حکومت مهدوی قوانین متکی به متن اصیل اسلام خواهند بود. در تمام کره‌زمین یک حکومت و یک قانون بیشتر نیست. یک حاکم در تمام دنیا است، کل دنیا مثل یک خانواده با یک مدیر محبوب اداره می‌شود. در تفسیر نمونه ذیل آیات ۳۲ سوره توبه و ۳۹ سوره صف منظور از: «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ تا اینکه (دین حق را) بر همه ادیان تسلط و برتری دهد» همین می‌باشد که غلبه مطلق مورد توجه است؛ یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام از نظر منطق و استدلال و نفوذ ظاهری و حکومت، بر تمام ادیان پیروز خواهد شد و همه را تحت‌الشعاع خویش قرار

خواهد داد و نظام قانون‌گذاری در حکومت مهدوی، بر آموزه‌های قرآنی و سیره حکومتی پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ، استوار خواهد بود. در ذیل آیه: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (حج، ۴۱)، امام باقر ﷺ فرموده: این آیه مربوط به مهدی و یاران اوست که: «يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ» (حویزی، ج ۳، ص ۵۰۶) خداوند آنان را مالک و حاکم بر شرق و غرب جهان خواهد نمود و دین و شریعت اسلامی و قوانین الهی را به دست آنها ظاهر و غالب می‌کند. امام خمینی ﷺ در صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۱، می‌فرماید: «حکومت رسول خدا ﷺ و حکومت امیرالمؤمنین ﷺ، حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است. آنها به حکم قانون واجب‌الاطاعه هستند؛ پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند» (متفکر و مددی، ص ۱۷). از فرمایش حضرت امام ﷺ، چنین استنباط می‌شود که در حکومت مهدوی، قانون‌گذار امام مهدی ﷺ و کتاب قانون، قرآن کریم است؛ روش اجرای آن، سیره حکومتی نبی مکرم اسلام ﷺ و امام علی ﷺ است. به دلیل عصمت، آن حضرت در کارهایش و تصمیماتش هیچ خطا و اشتباهی انجام نمی‌گیرد و عدالت را به نحو کامل بویژه در قانون‌گذاری رعایت می‌کند.

در حکومت مهدوی، مردم در دو عرصه ایفای نقش می‌کنند: الف. مشورت در اداره امور، ب. نظارت بر روند امور از طریق امر به معروف و نهی از منکر. از سیره پیامبر ﷺ در اداره امور مدینه چنین استنباط می‌شود که آن حضرت در سطوح مختلف، نمایندگانی از مردم را بر می‌گزیند تا در اداره امور و تعیین سیاست‌های اجرایی و قانون‌گذاری، مشارکت کرده و در نهایت امام مهدی ﷺ، آنها را تأیید می‌کند؛ کما اینکه رسول خدا ﷺ برای اداره مدینه، دوازده نفر را به‌عنوان نمایندگان قبایل تعیین، و برای هر یک از آنها سه نائب و در رأس آنها جهت هماهنگی، فردی را تعیین نمود به گونه‌ای که ۴۹ نفر در شورای اداری و مشورتی که وظیفه قانون‌گذاری و هماهنگی بین قبایل را عهده‌دار بودند؛ به پیامبر ﷺ یاری می‌رساندند. همین الگو را می‌تواند در اداره استان یا کشورهایی که تحت حاکمیت دولت مهدوی هستند، تصور نمود.

د. **قوه قضاییه:** رکن دیگری از ساختار سیاسی حکومت مهدوی است. براساس

آموزه‌های اسلامی، قضاوت و داوری میان مردم، در اصل، حقّ خداوند سبحان است و تنها افراد خاصی به نمایندگی از او حقّ داوری دارند: «یا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ؛ ای داوود! ما تو را خلیفه [و نماینده] خود در زمین قرار دادیم. پس میان مردم، به حق داوری کن» (ص، ۲۴). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اتَّقُوا الْحُكُومَةَ؛ فَإِنَّ الْحُكُومَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ، الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ، لِنَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ؛ از داوری کردن پرهیزید؛ زیرا [منصب] داوری در حقیقت، از آنِ امامی است که در قضاوت، دانا باشد و در میان مسلمانان به عدالت، حکم کند؛ از آنِ پیامبر یا وصی پیامبر است» (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۱۷).

بر پایه احادیث اهل بیت علیهم السلام، قوّه قضاییه در حکومت امام مهدی علیه السلام از نظر سیاست‌های قضایی، امکانات مورد نیاز قضا، و کارآمدی قضات، در بالاترین سطح ممکن قرار دارند. گرچه از آنچه در روایات آمده است، جزئیات را نمی‌توان دریافت؛ اما با ملاحظه سیره قضایی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و نحوه مدیریت قضایی حکومت اسلامی، تاحدودی می‌توان به ویژگی‌های دستگاه قضایی حکومت مهدی علیه السلام دست یافت.

از نظر رشد عقلی، علمی و فرهنگی مردم عصر ظهور، داوری و قضاوت بر حسب واقع انجام می‌شود تا عدالت واقعی محقق گردد نه براساس ظواهر صرف که معمولاً به ادله اثبات دعوا اتکا می‌شود. مهمترین ویژگی‌های نظام قضایی در حکومت مهدوی براساس آموزه‌های اسلامی، عبارت‌اند از: نوسازی قضایی به شیوه جدید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۳۸۴)، احکام و روش‌های دادرسی جدید برای اثبات حق، حتی مواردی که پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام به لحاظ درک محدود آن دوران، آن را مخفی نگه داشته و عمل نمی‌فرمودند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۵۰)؛ ادله اثبات دعوا و پی بردن به حقیقت تا جایی پیش خواهد رفت که قضات براساس علم و یقین قضاوت کنند نه براساس گمان و ظن که امروزه مطرح است کما اینکه حضرت داوود علیه السلام بینه نمی‌طلبید (صفار قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۹)، وجود آیین خاص دادرسی براساس آنچه که امام مهدی علیه السلام تعیین می‌فرماید و به قضات سراسر عالم می‌دهد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۹،

ص ۴۰۲). در روایت امام باقر (ع) با عبارت «عهدك فی كفك» پیمان نامه ات در كف دستت است» آمده است. دستورالعملی جامع و کامل که پاسخ هر سؤالی در آن وجود دارد انتخاب و انتصاب قضات شایسته و پاکسازی قضات ناشایست، باید گفت که در رأس دستگاه قضاء، امام مهدی (ع) است و در برخی موارد شخصاً قضاوت می‌کند. در مرتبه دوم، حضرت عیسی (ع) است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۴۰۴). انتصاب قاضی زن، برخلاف آنچه اکنون در اکثر فتاوای فقهای اسلامی وجود دارد؛ با توسعه علم و حکمت، زنان نیز می‌توانند براساس کتاب خدا و سنت پیامبر (ص)، قضاوت کنند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۴۰۶)، داوری ویژه برای پیروان ادیان، براساس روایتی از امام باقر (ع)؛ میان اهل تورات به تورات، میان اهل انجیل به انجیل و میان اهل فرقان (قرآن)، براساس فرقان حکم می‌کند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۴۰۸)، این اقدام مطابق سیره امام علی (ع)، حاکی از برخورد مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان آسمانی است، گرچه براساس روایات بتدریج همه به آیین اسلام گرویده و دین اسلام در جهان فراگیر خواهد شد.

مبحث سوم: گستره قلمرو حکومت و حاکمیت

منظور از قلمرو حکومت، تسلط بر عناصر سازنده حکومت (سرزمین، جمعیت و قدرت) است، و منظور از قلمرو حاکمیت، توانایی اعمال اقتدار و قوه قاهره فائقه بر تمامی قلمرو حکومت، همه جغرافیا و سرزمین‌های تحت پوشش، همه انسان‌های مستقر در سرزمین و استفاده از همه قدرت جهت اداره همه سازمان‌ها و نهادهای تحت پوشش حکومت و توان کنترل آنها (در سطح داخلی و در مواجهه با تهدیدات و تجاوزات خارجی) است (ویژه، ۱۳۹۷، صص ۳۶-۴۲).

براساس آموزه‌های اسلامی، گستره قلمرو حکومت و حاکمیت مهدوی به نحو زیر قابل توصیف است:

الف. از جهت سرزمینی: به استناد شیخ طوسی در کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، حدیث ۱۴۳، از امیرمؤمنان علی (ع) درباره تأویل آیه ۵ سوره قصص که می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ

تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و اراده کردیم که منت گذارده و تمکن دهیم کسانی که در زمین به استضعاف کشانده شده‌اند و آن‌ها را حاکمان و وارثان زمین قرار دهیم»، آن حضرت فرمود، منظور، آل محمدند. خداوند، مهدی ایشان را پس از تلاش (و رنج) شان برانگیزد. پس آنان را عزت دهد و دشمنان شان را خوار گرداند. با همین مضمون، امام باقر علیه السلام نیز این آیه را بر حکومت امام مهدی علیه السلام بر زمین تأویل برده است. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء نیز دارای مضمون مشابه است، یعنی حکومت و دولت حضرت مهدی علیه السلام فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه آن حضرت، از شرق تا غرب عالم را فرا می‌گیرد.

بنابراین اراده خداوند بر حکومت مهدی علیه السلام بر سراسر عالم تعلق گرفته است (قصص، ۵)، سرزمین تحت سیطره حکومت مهدوی، فراگیر و جهانی است (وحدت سرزمینی) (مجلسی، ج ۵۱، ص ۷۱). آن حضرت علیه السلام جهان را تحت یک مدیریت واحد (حکومت مرکزی) کارآمد در خواهد آورد، سلطان و پادشاه زمین بوده و بر دنیا حکمرانی و بر جای جای آن نظارت می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۹).

ب. از جهت جمعیت: رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه جهانیان و همه نسل‌ها است و برای هدایت و راهنمایی عموم جهانیان مبعوث شده است، برخلاف رسالت سایر انبیا که هر یک برای امت خاص یا نسل ویژه‌ای مبعوث شده‌اند و کتاب‌های آنان نیز برای ملت مشخص و یا دوره زمانی خاص و محدوده مکانی تبلیغ آن‌ها معین و رسالت آن‌ها جهانی نبود، گرچه در تعالیم دین یهود (حضرت موسی علیه السلام) و مسیحیت (حضرت عیسی علیه السلام) نیز موضوع مصلح جهانی مطرح است؛ اما در اسلام بویژه مذهب تشیع همچنان که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله جهانی است، حکومت مهدوی نیز در امتداد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد؛ دلیل آن «ریشه‌های جهان‌شمولی دین اسلام و مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف‌پذیر بودن آموزه‌های آن و داشتن عنصر مهم اجتهاد و تطابق آن با مقتضیات زمان و مکان نهفته است» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

آیات متعددی از قرآن کریم با صراحت بر عمومیت دین اسلام و اختصاص نداشتن آن به زمان و مکان و قوم خاصی، اشاره دارند؛ از جمله: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى

عَبْدَهُ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا؛ بزرگ (و خجسته) است کسی که بر بنده خود، فرقان (کتاب جدا سازنده حق از باطل) را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد» (فرقان، ۱). «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا؛ بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم» (اعراف، ۱۵۸). «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ و ما تو را جز (به سِمَت) بشارت گر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم» (سبا، ۲۸). «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء، ۱۰۷). از این آیات، استنباط می‌شود که هدف اسلام، اصلاح جامعه انسانی در سراسر گیتی بدون توجه به حدود و مرزهای جغرافیایی است.

در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز به این مهم اشاره شده است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «تمام جهان، ملت واحد می‌شوند و آن ملت اسلام است» و در روایتی دیگر از آن حضرت علیه‌السلام آمده است: «به هنگام خروج حضرت مهدی علیه‌السلام، خطاب و ندای عامی به همه مردم جهان می‌شود و آنها به اطاعت از او فرا خوانده می‌شوند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۴۳۶)؛ بنابراین جمعیت تحت شمول حکومت مهدوی، تمام آحاد انسانی است.

ج. از جهت قلمرو اقتدار و حاکمیت: شرط لازم در استقرار دولت مهدوی، توان حکمرانی و اعمال اقتدار بر سرزمین و جمعیت است. قدرت فائده‌ای که در قامت امامت و پیشوایی، ظهور و بروز می‌یابد و با تأثیر شگرف معنوی و روحی بر انسان‌ها و جوامع، همه را تحت سیطره حاکمیت و اقتدار حکومت خویش قرار می‌دهد.

امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا؛ پس هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو، فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ‌آور) مان را بر شما برانگیزانیم، تا میان خانه‌ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند و (این) وعده (انتقام خدا) قطعی است» (اسراء، ۵)؛ می‌فرماید: «این بندگان پیکارجو و مقاوم که به طرفداری از حق به پا می‌خیزند، همان حضرت قائم علیه‌السلام و یاران وفادار او هستند» (سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۱).

کارگزاران حکومت امام مهدی علیه‌السلام، نقش بسزایی در اعمال اقتدار دارند، پیامبرانی

نظیر حضرت عیسی علیه السلام، حضرت یوشع علیه السلام، حضرت خضر نبی علیه السلام، از آن جمله‌اند (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۱۵۲؛ ج ۵۳، ص ۹۰). اقتدار حکومتی آن حضرت به گونه‌ای است که نه تنها انسان‌ها، بلکه حتی سایر جانداران، همه طالب رضای ایشان‌اند (مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۲۷).

نتیجه این خواهد شد که مرزبندی‌ها و منحصر شدن قدرت حاکمان در مرزهای جغرافیای کنونی، از بین رفته، روابط بین الملل و شیوه حکمرانی تغییرات اساسی یافته و وحدت سرزمینی، وحدت جمعیتی (امت واحده اسلامی و توحیدی) و وحدت فرمانروایی شکل می‌گیرد (صوفی آبادی، ص ۱۰۹).

با این رویکرد، می‌توان حکومت مهدوی را در دسته حکومت‌های مطلقه اما مشروعه از جهت رعایت موازین قرآنی و اسلامی، مبتنی بر نظریه حق الهی شخص حاکم قلمداد کرد که از طریق انتصاب الهی انجام می‌گیرد، و «نظریه امامت و ولایت» نیز از متن آیات و روایات اسلامی استخراج می‌شود. ولایت سیاسی امام زمان علیه السلام نیز از نوع ولایت اعتباری اعطایی است که خداوند متعال، امر ولایت را به نیابت از خود به ولایت معصوم (نساء، ۵۳)، تفویض نموده است (مقیمی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵). بر پایه نظریه مهدویت، کنترل قدرت در حکومت مهدوی، درونی و عصمت است و معصوم، مصون از خطا، اشتباه، استبداد و یا فساد است و چارچوب شریعت منبعث از قرآن و سیره، قانون حاکم در حکومت مهدوی است.

درباره ملت/امت دو مکتب رایج وجود دارد: نظریه عینی (گوینوی فرانسوی [۱۸۸۲-۱۸۶۲ م] که از سوی فلاسفه فرانسوی دنبال شده)، خواست مشترک انسان‌ها را در تشکیل جامعه ملی مؤثر می‌دانند؛ و نظریه اسلامی که از واژه ملت معنای «راه و روش و دین» (مله أبیکم ابراهیم؛ روش (دین) پدر شما ابراهیم ... (حج، ۷۸)) یک واحد اجتماعی برداشت می‌شود و در حکومت اسلامی مهدوی با تنوع جوامع ملی روبرو نخواهیم بود.

بلکه با «امت» که مختص نظریه اسلام است (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً؛ همانا این امت شما، امت واحد است). (مؤمنون، ۵۲) مواجه هستیم؛ مفهومی عقیدتی که به مرزهای جغرافیایی توجهی ندارد بلکه براساس مرز عقیده (نه نژاد و وطن)، اجتماعات انسانی را

پایه ریزی کرده است؛ حتی ملاک در ازدواج و ارث را اشتراک در عقیده و توحید دانسته نه منزل و وطن (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۱۲۵).

براساس یافته‌های فوق، حکومت مهدوی دارای گستره‌ای جهانی با شاخصه‌های: وحدت سرزمینی (کل عالم)، وحدت جمعیتی (همه مردم تحت عنوان امت واحده اسلامی بدون هیچ مرزبندی)، و حاکمیت و اقتدار فراگیر بر تمامی ممالک و سرزمین‌ها و همه جهانیان است و حقوق اساسی حکومت مهدوی نیز در چارچوب شاخصه‌های مذکور است.

مبحث چهارم: حقوق بشر و شهروندی

آنچه بشر امروزی از جهت علمی- تجربی و یا براساس آموزه‌های ادیان به آن دست یافته، این است که «نوع بشر» فارغ از ملیت، نژاد، جنس، مذهب و نظایر آن، دارای حقوقی است که بخشی از آنها بنیادی و انتقال‌ناپذیرند و برای حفظ و بقا بشر ضروری هستند (هکی، ۱۳۸۹، صص ۸-۲۷)، در کنار این حقوق، از آنجا که «بشر» در اجتماعی زندگی می‌کند که متعلق به اوست، دارای هویتی اجتماعی و انسانی است که بر سایر هویت‌های او مانند ملیت، نژاد و ... برتری دارد (اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی)، امتیازاتی برای انسان در نظر گرفته می‌شود که باید توسط حکومت و دولت محترم شمرده و رعایت شوند. این حقوق در زمره حقوق اساسی بوده و در پنج دسته مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل تقسیم هستند و در میثاق‌های بین‌المللی (۱۹۶۶ میلادی)، مورد پذیرش کشورهای عضو سازمان ملل قرار گرفته است و تمامی دولت‌ها به‌عنوان طرف تعهد، وظیفه و تکلیف دارند که آنها را رعایت کنند. در اندیشه سیاسی اسلام، این دسته‌بندی درباره حقوق را تاحدودی پذیرفته؛ البته با این تفاوت که، برخلاف نگاه مادی‌گرایانه صرف در اسناد حقوق بشری؛ با نگاهی جامع‌تر (مادی و معنویت‌گرایانه) و کامل‌تر انسان را بر فطرت خداوندی: «فَطَرَتَ اللَّهُ النَّاسَ عَلَىٰهَا؛ همان آیین فطری خدا که مردم را بر پایه آن آفرید» (روم، ۳۰)، خلق کرده و دارای کرامت ذاتی: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و به تحقیق ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم»

(اسراء، ۷۰)، و اکتسابی: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (حجرات، ۱۳)، دانسته و در همین راستا او را صاحب حق می‌داند و تحت هر شرایطی باید مورد محبت و احترام حکمرانان قرار گیرند.

الف. معیارهای حقوق بشر و شهروندی

از معیارهای اصلی حاکم بر رعایت حقوق بشر و شهروندی در حکومت مهدوی موارد زیر است:

جهان‌شمولی: خطابات قرآن کریم و پیام‌های آن‌جهانی است: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام، ۹۰)، «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم، ۵۲)، که قرآن را بدون استثنا برای همه جهانیان می‌داند. رسالت جهانی پیامبر ﷺ نیز حکایت از این دارد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف، ۱۵۷). در آیات ۲۸ سبأ و ۱۰۷ انبیاء، قرآن کریم، پیامبر ﷺ را رسول و برگزینده برای همه جهانیان معرفی می‌کند.

۲. عمومیت داشتن: منظور از عمومیت داشتن این است که همه افراد انسان در هر زمان و به هر میزان که باشند، مشمول حقوق بشر و شهروندی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی خواهند بود. همچنان که جهان‌شمولی از خصایص حکومت است. از جمله آیاتی که بر عمومی بودن هدایت قرآن دلالت دارد: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ؛ این (قرآن) بیانی (روشنگر) برای (همه) مردم است» (آل عمران، ۱۳۸) و آیه ۵۲ سوره ابراهیم: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ؛ این (قرآن) پیام رسا و و ابلاغی برای (همه) مردم است»؛ دلالت بر عمومیت داشتن دارد.

۳. برابری: منظور از برابری این است که هیچ‌یک از افراد انسان شدیدتر یا ضعیف‌تر از دیگران مشمول حقوق بشر و شهروندی و آزادی‌های فردی و اجتماعی نیست، بلکه همه به صورت یکسان و برابر، مشمول این قانون‌اند. پیامبر اسلام ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «انسان‌ها، مانند دانه‌های شانه با هم برابرند و هیچ‌کس را بر دیگری برتری نیست، مگر به تقوا و پرهیزگاری» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، حدیث ۲۴۸۲۲)؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «النَّاسُ فِي الْحَقِّ سَوَاءٌ؛ مردم در برابر حق یکسانند» (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۷)؛

روایات ناظر بر کرامت ذاتی انسان است، اما از جهت کرامت اکتسابی، بدیهی است که اعلی تقوی، مقرب تر از سایرین نزد خداوند متعال می باشند. در آیه ۲۱۲ سوره بقره، خداوند متعال می فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ و پرهیزگاران در روز قیامت از آنان (کافران) برتر هستند».

۴. رضایت عمومی: عینیت بخشی به این حقوق از جمله ویژگی های برجسته حکومت مهدوی در این زمینه می باشد که موجب تأمین خشنودی و رضایت همه ساکنان زمین و آسمان است. «اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می شوند؛ او زمین را پر از عدالت می کند، آن سان که پر از جور و ستم شده باشد» (شیخ طوسی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶). «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند» (الحر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۳، ص ۵۲۴). «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۱، ص ۱۰۴).

۱۲۹

فقه

ب. انواع و مصادیق حقوق بشر و شهروندی

با بررسی تجارب بشری از یک سو و آموزه های اسلامی از سوی دیگر، انواع و مصادیق زیر را می توان برشمرد که در حکومت مهدوی به آنها توجه شده و در زمره حقوق اساسی خواهند بود.

۱. حقوق مدنی: انسان بدون تبعیض ناروا دارای حقوق مدنی است و حفظ حقوق آحاد جامعه، نفی نژادپرستی و تبعیضات ناروا، قومیت و یا جنسیت گرایی، مگر مواردی که ویژگی طبیعی و یا احساسی و جنس انسان باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۸)؛ اما در مجموع حقوق، بین زن و مرد عدالت به تناسب باید رعایت شود (شهید مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۱۷۵). دایره حقوق مدنی وسیع بوده و شامل مجموعه ای از حقوق و آزادی های افراد اطلاق می شود که به عنوان شهروند در چارچوب معیارهای مذکور (جهان شمولی، برابری و ...) و آزادی های اساسی، بیان می شود؛ مانند: حق حیات، حق مسکن، حق رفت و آمد و ...

۲. حقوق سیاسی: از حقوق دولت بر مردم بیعت و وفای به عهد (معرفت، ۱۳۷۸، ج ۵،

ص ۲۱۶)، اطاعت و فرمانبری (نساء، ۵۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۳۴؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۵۱)، خیرخواهی دولت از رهگذر امر به معروف و نهی از منکر (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)، اجابت فراخوانها و جمع شدن در ذیل پرچم حکومت مهدوی (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۵۱) است. در مقابل، مردم نیز در دولت مهدوی دارای حقوقی سیاسی هستند که در اولویت سیاستها و برنامه‌های حکومت است از جمله: عدالت گستری و رفع ستم (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۲۸۰)، اصلاح و انتخاب کارگزاران صالح (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۱، ص ۱۱۰)، ایجاد امنیت و آسایش عمومی (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۱ و نور، ۵۵). ایجاد بستر مشارکت سیاسی به عنوان مؤلفه‌ای اصلی در حقوق سیاسی مورد عنایت حکومت مهدوی است، حق تعیین سرنوشت، حق مشارکت عادلانه در اداره امور جامعه، حق نظارت همگانی از طریق امر به معروف و نهی از منکر بر اقدامات کارگزاران، در آموزه‌های وحیانی و روایی مورد توجه بوده و از نظر اینکه حکومت مهدوی بر مبنای قرآن و سیره نبوی و علوی استوار است، رعایت این حقوق امری طبیعی است، تا آنجا که به عنوان «تکلیف» نیز تلقی شده است و آیاتی نظیر: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شورا، ۳۸)؛ «و شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹)؛ «أَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج، ۴۱)؛ دلیل بر این مدعی است. در دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام این مهم، منافاتی با «مشروعیت و حقانیت الهی تشکیل حکومت دینی» (مهدوی) ندارد، زیرا «با اقبال و مقبولیت اکثریت جامعه» (حکومت) بروز و ظهور می‌یابد (امام خمینی، ج ۲، ص ۴۵۹).

۳. حقوق اقتصادی: ایجاد رفاه و رفع فقر در حد بی‌نیازی (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۳۶)، تقسیم عادلانه ثروت به شکل صحیح و مساوی بین مردم (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۱، ص ۹۲)، با این توضیح که صلاحیت تخصصی آنها را به طور جداگانه مورد توجه قرار می‌دهد. حفظ و احترام به مالکیت خصوصی، عمران و آبادی (با بارانی که خداوند از آسمان فرو فرستاده و رویدنی‌های زمین، نعمت فراوان می‌شود) (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۱، ص ۷۴ - ۷۸ - ۱۰۴ - ۱۳۰)، و در روی زمین هیچ نقطه خراب و ویرانی نمی‌ماند مگر اینکه حضرت مهدی علیه السلام آنجا را آباد و معمور می‌سازد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۴، ص ۴۸۲).

۴. حقوق اجتماعی: تشکیل حکومت مهدوی بر پایه عدالت اجتماعی است. این

گسترده‌گی عدالت نیکوکار و فاجر را در برمی گیرد (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲۷، ص ۹۰)، هر حقی به صاحبش می‌رسد (به گونه‌ای که)، کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد (شبلنجی شافعی، ۱۳۰۸ ق، ص ۳۵۳ و جلوی ستمکاری را می‌گیرد به نحوی که در سرتاسر جهان هیچ انسانی به دیگری ستم نخواهد کرد (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۲۲)، براساس آموزه‌های اسلامی، پیوندهای اجتماعی از طریق: تواذ، تراحم، تواصی، تعاون مورد تأکید قرار گرفته و به طور قطع جامعه مهدوی دارای چنین پیوندهای مستحکم اجتماعی خواهد بود.

۵. حقوق فرهنگی: شکوفایی علمی، به کمال رسیدن عقول و دانش مردم، از دستاوردهای حکومت مهدوی است به این معنا که پرورش عقول و توسعه دانش را حقی اساسی برای مردم در نظر گرفته و در تمام حوزه‌های تجربی، عقلی، نقلی و عرفانی آنان را به درجه اعلی می‌رساند. امام صادق (ع) می‌فرماید: علم را از دو حرف، به ۲۷ حرف (منظور حد اعلای آن)؛ می‌رساند (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۳۶). هدایت کل بشر از طریق اقتاع بویژه پیروان سایر ادیان به دین واقعی و کتاب‌های آسمانی واقعی آنان و بیان آموزه‌های اسلامی و حکم براساس آموزه‌های کتب سایر ادیان از ویژگی‌های فرهنگی و دینی حکومت مهدوی است (قزوینی، ۱۳۷۶، ص ۶۷۲). بویژه توجه به مقتضیات زمان و مکان و نوسازی جهان براساس معارف ناب اسلامی به حدی که امام باقر (ع) می‌فرماید: قائم (ع) کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می‌آورد (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۳، ص ۷۷). حق اطلاع داشتن و دانستن با ایجاد تحول رسانه و وسایل ارتباطی و استفاده آنها، ضمن داشتن سطح متعالی ایمان، دارای کمالاتی خواهند شد که چشم و گوش آنها قدرتی فرابینایی و فراشنوایی و فرامکانی پیدا خواهد کرد. رعایت حقوق معنوی و اخلاق فردی و اجتماعی (تأدبوا بآداب الله؛ متأدب به آداب الهی) در آنها در حد اعلی خواهد بود. علاوه بر آن ارتقای دانش، بینش و کسب معرفت دینی به حدی که حتی زنان در خانه‌های خویش تفسیر قرآن کرده و طبق کتاب و سنت الهی قضاوت می‌کنند (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۵۲). قائل شدن به حق داشتن آداب و رسوم صحیح و اصلاح آداب و رسوم خرافی از دیگر ویژگی‌های حکومت مهدوی است.

نتیجه‌گیری

حقوق اساسی در هر نظام سیاسی، منشأ و سازمان‌دهنده نظم اجتماعی و پایه تأسیس حقوق است که می‌تواند از تعالیم آسمانی برگرفته از ادیان و یا نظریات فلسفی، سیاسی و اخلاقی دانشمندان و عرف عمومی یک جامعه باشد. از نظر الهی و اسلامی بودن حکومت مهدوی:

ماهیت حقوق اساسی در حکومت آن حضرت طبق نص آموزه‌های اسلامی بر پایه: اسلام ناب و نوسازی دینی در جامعه، عمومی، جامعیت، جهانی، عادلانه و کامل‌تر از همه حکومت‌های الهی و بشری در گیتی است، براساس حکومت نبوی پایه‌ریزی شده و با توجه به فطری بودن ماهیت دین اسلام، سازگار است.

در چارچوب حقوق و قوانین فائقه و اساسی حکومت مهدوی؛ امام معصوم، حق بر تشکیل حکومت و استقرار نظام سیاسی را به‌عنوان حقی الهی از نوع ولایت سیاسی اعتباری اعطایی، در نظر گرفته و براساس این حق، تقسیم قدرت انجام، ساختار نهادها و مراکز تعیین، کارگزاران منصوب و سایر گروه‌ها با کارویژه‌های خاص تعیین می‌گردند؛ طبق یافته‌ها، وضعیت این گونه قابل ترسیم است:

الف. از جهت شکل و ساختار، حکومت ولایی مستقر و امام مهدی علیه السلام فرمانروایی معصوم و مقتدر که ولی خدا است.

ب. قوه اجراییه و کارگزاران در حکومت مهدوی، براساس شایستگی منصوب می‌شوند و همراهی مردم، نشانه بیعت و رضایت است نه انتخاب مردم؛ آنچنان که در حکومت‌های رایج امروزی تحت عنوان دموکراسی رایج است.

ج. از جهت قوه قانون‌گذاری و قانون‌گذاران، در حکومت مهدوی قوانین متکی به متن اصیل اسلام است؛ آموزه‌های قرآنی و الگوی عملی و سیره حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام آیین اداره حکومت مهدوی است. نقش مردم مشورت در اداره امور، و نظارت بر روند امور است.

د. دستگاه قضایی، رکن مهم ساختار سیاسی در حکومت مهدوی است؛ طبق آموزه‌های اسلامی، این حق نیز اعطایی از جانب خداوند متعال به اوصیای خویش

است (سوره ص، آیه ۲۴)، با این رویکرد؛ مدیریت قضایی و انتصاب قضات به وسیله امام مهدی عج انجام می گیرد.

از منظر حقوق اساسی سه عنصر سازنده حکومت: سرزمین، جمعیت و قدرت می باشد؛ از منظر سیاسی و حقوقی، تسلط بر این سه عنصر قلمرو حکومت را تشکیل می دهد. گستره این قلمرو در حکومت مهدوی، برخلاف مرزبندی های کنونی؛ فراگیر، جهانی و شامل همه سرزمین ها می شود. همان گونه که دین اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، برای همه جهانیان و همه نسل ها است که البته ریشه های جهان شمولی آن در ابتناء آن بر فطرت و انعطاف پذیر بودن آموزه های این رسالت، عیناً بر عهده حضرت صاحب الزمان عج است.

حقوق فردی و اجتماعی مردم (بشر و شهروندی)، در زمره حقوق اساسی بوده و به پنج دسته مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قابل تقسیم هستند. این حقوق تا حد زیادی به دلیل فطری بودن از جهت شکلی در اندیشه اسلامی پذیرفته شده؛ گرچه از لحاظ مبانی و تئوری های نظری، اسلام با برخی مبانی رایج مخالفت دارد، وجه اشتراک، نگاه فطری داشتن و وجه افتراق، نگاه معنویت گرایانه حقوق اسلامی و مهدوی است. معیارهای اسلام برای حقوق بشر و شهروندی شامل: جهان شمولی، عمومیت داشتن، برابری افراد انسان، رضایت عمومی می باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

ابن ابی الحديد. (بی تا). شرح نهج البلاغه (ج ۲، ۱۹). قم: انتشارات آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۴). حکومت جهانی امام عصر و نظریه جهانی شدن در عصر ما. تهران: دبیرخانه پنجمین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام.

اسکندری، مصطفی. (۱۴۰۱). درسنامه ولایت فقیه. قم: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

اعلامیه جهانی حقوق بشر. (۱۹۴۸م).

اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست. (۱۹۷۲م).

الهام، غلامحسین. (۱۳۹۸). حقوق اساسی تطبیقی (چاپ پنجم). تهران: انتشارات میزان.

بحرانی، مرتضی. (۱۳۸۳). معرفی و نقد کتاب فقه الحکومه الاسلامیه بین السنه و الشیعه، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۳.

بشیریه، حسین. (۱۳۹۵). مبانی علم سیاست (چاپ بیست و پنجم). تهران: انتشارات نشر نی.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۴۰۲). ترمینولوژی حقوق (چاپ سی ام). تهران: انتشارات گنج دانش.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). مهدی موعود علیه السلام (چاپ هفتم). قم: انتشارات اسراء.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۸ق). مستدرک علی الصحیحین (ج ۴). بیروت: انتشارات دارالمعرفه.

الحر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۵ق). اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات (ج ۳، دوره ۵ جلدی). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۳۸۳ق). تفسیر نور الثقلین (ج ۱، ۳، ۵، دوره ۵ جلدی). قم: انتشارات اسماعیلیان.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰). ولایت و حکومت (مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی). قم: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.

خمینی، سید روح الله. (بی تا). صحیفه نور (ج ۲، دوره ۲۳ جلدی). تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۹۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ پنجم). تهران: انتشارات سمت.

دهشیری، محمدرضا. (۱۴۰۱). تحولات نظام‌های سیاسی در جهان معاصر (چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رضایی، غلامرضا. (۱۳۹۹). مقدمه علم حقوق (چاپ سوم). تهران: انتشارات جنگل.

سمرقندی، محمد بن مسعود. (بی تا). تفسیر عیاشی (۵ جلدی، مترجم: عبدالله صالحی). قم: انتشارات ذوی القربی.

شبلنجی، مومن. (۱۳۰۸ق). نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار. قم: انتشارات رضی.

صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۰). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (ج ۲). قم: انتشارات مکتبه آیت الله الصافی گلپایگانی.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). کمال الدین و اتمام النعمه (ج ۱). قم: انتشارات جامعه المدرسین.

صفار قمی، محمد بن حسن. (بی تا). ب صائر الدرجات (ج ۱). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، نجم الدین. (۱۳۸۵). معجم الاحادیث امام المهدی (ج ۵). قم: انتشارات نشر معارف اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۳). تهذیب الاحکام (ج ۶). قم: انتشارات دائرةالمعارف بزرگ اسلام.

فیرحی، داود. (۱۳۸۶). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (ج ۱۴). تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

قرائتی، محسن. (۱۳۷۴). تفسیر نور. قم: انتشارات مؤسسه در راه حق.
قزوینی، سیدمحمد کاظم. (۱۳۷۶). امام مهدی # از ولادت تا ظهور (مترجم و محقق: علی کرمی و سیدمحمد حسینی). قم: انتشارات نشر الهادی.
کِلِسِن، هانس. (۱۳۹۵). نظریه محض حقوق و دولت (مترجم: محمدحسین تمدن جهرمی). تهران: انتشارات سازمان سمت.

مُتقی هندی. (۱۴۰۹ ق). کنز العمال (ج ۲، دوره ۱۸ جلدی). بیروت: انتشارات مؤسسة الرساله.
مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۶). بحارالانوار (ج ۳، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، دوره ۱۱۰ جلدی). قم: انتشارات اسلامی.

محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۳). حقوق بین الملل خصوصی (چاپ چهارم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). دانش نامه امام مهدی علیه السلام (ج ۹). قم: انتشارات دارالحديث.

محمدی ری شهری، محمد، و دیگران. (۱۳۸۶). دانش نامه عقاید اسلامی (ج ۳). قم: انتشارات دارالحديث.

محمودی، محمدباقر. (۱۳۷۶). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه (ج ۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۶). حکومت جهانی مهدی علیه السلام (چاپ چهارم). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). مجموعه آثار (جلدهای ۱، ۳، ۱۹). قم: انتشارات صدرا؛
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۷). حقوق متقابل حکومت و مردم (دانشنامه امام علی علیه السلام) (ج ۵). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی. (بی تا). عقد الدرر فی أخبار المنتظر وهو المهدی علیه السلام، اردن: انتشارات المنار.
- مقیم، غلام حسین. (۱۴۰۰). درسنامه نظریه ولایت سیاسی فقیه. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه (ج ۱). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۰). مهدی انقلابی بزرگ (چاپ پنجم). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
- نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۶). الغیبه النعمانی (مترجم: محمد جواد غفاری). تهران: انتشارات صدوق.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- نوری، میرزا حسین. (۱۳۶۵). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۴، ۲۹ جلدی). قم: انتشارات آل البيت علیهم السلام.
- ویژه، محمدرضا. (۱۳۹۷). کلیات حقوق اساسی. تهران: انتشارات سازمان سمت.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان.
- هکی، فرشید. (۱۳۸۹). حقوق بشر برای همه. تهران: انتشارات پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- یزدی حائری، علی. (۱۳۹۷). الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائبه علیه السلام (ج ۲). بیروت: انتشارات انوار الهدی.